

curved	منحنی - خم شده	refine	تصفیه کردن - اصلاح کردن
cybernetics	شناخت کاربردهای کامپیوتر و سازواره های الکترونیکی همانند آن	refinements	اصلاحات
damping forces	نیروهای میرایی	reflectance	ضریب بازتابش
data processing	پردازش داده ها	reflection	انعکاس - بازتابش
decline	کاهش دادن	reflectivity	بازتاب پذیری
definition (by)	(براساس) تعریف	refraction	انکسار - شکست
deflect	منحرف کردن یا شدن	refresh rate	سرعت بازسازی یا بازخوانی
defuse	براسا تعریف	regardless	صرف نظر از
degradation	خرابی - فساد	regeneration	نوزایی - احیاء
deliver	توزیع کردن ، پخش کردن ، تحویل دادن، ارائه دادن	regularization	تنظیم
density	چگالی - تراکم	relatively	تقریباً
depleted	تمام شده - تخلیه شده	relativity	نسبیت

deploy	به کار گرفتن	release	رها کردن - آزاد کردن
depth	عمق	reliability	اعتبار
designate	معین کردن	reliability assessment	ارزیابی اعتبار، اعتبار سنجی
designated mission	وظیفه مشخص شده	rely on	وابسته بودن به - متکی بودن به
designation code	کد معرف - کد وظیفه	remain constant	ثابت ماندن
desired function	عملکرد مورد نظر	render	ارائه کردن
desired pathway	مسیر مورد نظر	repel	دفع کردن - راندن
despite	علی رغم	repetitively	به طور مکرر
destination	مقصد	replace	جایگزین کردن - جابجا کردن
detect	اشکار سازی کردن - تشخیص دادن	representation	نمایش
device	وسیله	repulsion	دفع ، پس رانی
diagnostic instruments	ابزارهای تشخیصی	require	نیاز داشتن
diagram	دیاگرام	requirements	الزامات

diameter	قطر	reside	قرار گرفتن
diaphragm	دیافرامگم	residential	مسکونی
dielectric	دی الکتریک	resilience	انعطاف پذیری - کش سانی
differential	تفاضلی	resist	مقاومت کردن
diffraction	شکست	resistance	مقاومت
digital domain	حوزه دیجیتال	resistivity	مقاومت ویژه
dimensions	ابعاد	resolve	حل کردن
diminishingly	به طور کاهنده	resonant frequency	فرکانس تشدید شونده (قوی)
dipstick	میله عمق سنج	responsive	پاسخ گو-حساس
discharge	تخلیه کردن - ترشح کردن - نشستی	restrict	محدود کردن
disciplines	رشته های علمی	retransmission	ارسال مجدد
discovery	کشف	return path	مسیر بازگشت
discrete	متمایز - جدا	reveal	نشان دادن - آشکار کردن
discrete resistor	مقاومت گسسته	reverse	معکوس کردن - برعکس

dislodged	پرتاب کردن - خارج کردن	revolutionary	بنیادین - انقلابی
displace	جابجا کردن	revolutionary trend	رویکرد تحول آمیز
display	نمایش دادن	revolutionize	متحول کردن
dissipate	هدر دادن	revolve	چرخیدن
dissipation	اتلاف	right angle	زاویه قائم
distinctive	متمایز	ripple	نوسان - ریز موج - موج - لرزش
distinguish	تشخیص دادن - متمایز کردن	ripple malfunction	نقص فنی ناشی از نوسان ولتاژ
distortion	کژیختی ، از ریخت افتادگی	rising tone	آهنگ / تون فزاینده
distribution	توزیع	robustness	استحکام
disturb	(نظم چیزی را) از بین بردن ، نابسمان کردن	rotate	چرخیدن
divergent	متفاوت ، ناهمگون	roughness	ناهمواری - زبری
diverse	متنوع - گوناگون	rubber	لاستیک

divert	منحرف کردن	rubies	زنگار - زنگ زدگی
domestic	خانگی - داخلی	run down	ضعیف شدن
doughnut	حلقوی - کلوچه شکل	run on sth	راه اندازی شدن با چیزی
downtime	زمان خواب - زمان افت یا خرابی	safety clothing	لباس ایمنی
dragline	ماشین خاک برداری	saturation	اشباع
drain	جریان کشیدن - تخلیه کردن	save	ذخیره کردن
dramatic	عالی - تاثیر گذار	saw	اره
draw	دریافت کردن - کشیدن از - بار خروجی	scale	مقیاس
draw from	کشیدن از	schematic representation	نمایش شماتیک (الگووار)
draw up	طراحی کردن - ترسیم کردن	scheme	طرح
drawback	نقص - ضعف	scope	حوزه - میدان
dredge	لارویی کردن	screw driver	پیچ گوشتی
drift	کاهش - افت	secure	محکم کردن - ایمن کردن - ایمن
drive sth ahead	به پیش راندن - به حرکت در آوردن	segment	بخش - قسمت
drop	افت - کاهش	seismologist	زلزله نگار یا زلزله شناس
due to	به علت	self-discharge	خود نشست / تخلیه
duration	طول مدت	semiautomatic	نیمه اتوماتیک
dust-free	ضد غبار - نفوذ ناپذیر	semiconductor separate elements	المان های مجزای نیمه هادی
duty cycle	چرخه کاری	sensing face	طرف حس گر
dwarf star	ستاره کوتوله / کم نور	sensorless	بدون سنسور
dye	رنگ زدن - رنگ	sequentially	به ترتیب
dynamic	پویا	series wound	سیم پیچ سری
economic incentive	انگیزه اقتصادی	severely limited	به شدت محدود شده
eddy currents	جریان های گردابی یا فوکو	shaver	ریش تراش برقی
edge	لبه - کناره	sheer	صرف - مطلق
efficiency	اثر بخشی - کارآمدی	shell	پوسته - لایه خارجی
elaborate (v)(adj)	توضیح دادن - کامل	shield	سپر - محافظت کردن
elastomeric	پولیمر قابل ارتجاع یا کشند	short(ed)	اتصال کوتاه شدن (شده)
electric furnace	کوره برقی	short-lived	زود گذر - کوتاه مدت

electric storm	طوفان رعد و برق	shrink	کوچک شدن
electrical appliances	وسایل برقی	shuffle	مالیدن - مالش دادن روی
electro-migration	حرکت یا انتقال الکترون ها	shunt	موازی - فرعی
electromotive force	نیروی محرکه برقی	shunt wound	سیم پیچ موازی
elevate	بالا بردن - افزایش دادن	sighting distance	حوزه دید - مسافت قابل مشاهده
elevated	افزایش یافته - بالا رفته	significant	مهم - قابل توجه
elevator	آسانسور	signify	بیانگر بودن - نشان دادن
eliminate	حذف کردن	silver	نقره ای
emanate	ساطع شدن - ناشی شدن	simultaneous	هم زمان
emanating from	ناشی از	sinusoidal	سینوسی
embrace	دربر گرفتن	sliding arm	اهرم (کلید) متحرک (لغزنده)
emit	منتشر کردن - پرتاب کردن	slightly	کمی - تا حدی

employ	پ کار گرفتن - استفاده کردن	slip	لغزش - نقص
emulsion	مخلوط - ترکیب قابل تجزیه	small ratings	مقادیر کم
enamel	لعاب (کاری)	smooth wave	موج صاف
encoder	کد گذار	snubber	مدار ضربه گیر ولتاژ
encompass	دربر گرفتن	solar radiation	تابش - تشعشع خورشیدی
energy source	منبع انرژی	solid	جامد
energy state	حالت انرژی	solid state	حالت جامد
energy-inefficient	کم راندمان - بدون بازدهی	solubility	خاصیت حل شوندگی
engineering developments	پیشرفت های مهندسی	solution	۱- محلول ۲- راه حل
enormous	عظیم - خیلی بزرگ	sophisticated	پیچیده - پیشرفته
ensure	تضمین کردن - مطمئن شدن	source	منبع
environment	محیط - پیرامون	space flight	سفر فضایی
equal	برابر - مساوی	space station	ایستگاه فضایی
equation	معادله	spark	جرقه
equipment	تجهیزات	special	مخصوص - ویژه
erosion	فرسایش	specialized	تخصصی شده

establish	تاسیس کردن - راه اندازی کردن	specialty	تخصص
etch	حکاکی - نقش زدن روی	specific characteristics	ویژگیهای خاص
even harmonics	هارمونیک یکنواخت	specification	مشخصات
eventually	در نهایت - سرانجام	specifics	جزئیات
evolutionary design	طراحی تکاملی (تدریجی)	spectrum	طیف
evolve	به تدریج کامل شدن	spike	ضربه یا تکانه ولتاژ
exceed	فراتر رفتن از	splice	متصل کردن - به هم بافتن
except for	به غیر از	square	۱- مربعی ۲- توان دوم
excess	اضافی	stack machine	دستگاه دسته بندی
excess energy	انرژی مازاد	stainless	ضد لکه
excess flow	جریان مازاد	standard deviation	انحراف معیار
excitation	تحریک - فعال سازی	state	توضیح دادن - حالت - وضعیت
exclude	حذف کردن - مستثنی کردن	static	ثابت - بی حرکت
execute	اجرا کردن	stationary	ثابت - بی حرکت
exert	اعمال کردن	statistical characterization	توصیف آماری

exhibit	نشان دادن	steady	یکنواخت
exotic	عجیب - غیر عادی	steam-driven	دارای موتور بخار
expansion	توسعه - انبساط	stencil printing	چاپ استنسیل
expel	بیرون راندن	step-up transformer	ترانسفورماتور افزایشدهنده
expense	هزینه - قیمت	stop-band	باند توقف
experiment	آزمایش	storage capacity	گنجایش ذخیره سازی
exploit	به کار گرفتن - استثمار کردن	storage medium	وسیله ذخیره سازی
explore	کاوش کردن - جستجو کردن	storage-system	سیستم ذخیره سازی
explosive	انفجاری	strand	لایه - رشته
extend	ادامه دادن - طولانی کردن	stray capacitance	ظرفیت خازنی سرگردان
extensively	به طور گسترده	stream	جریان - مسیر عبور
extract energy	استخراج انرژی - دریافت انرژی	strength	نیرو - قدرت - توان
extracted	استخراج شده - دریافت شده	strike	برخورد کردن - ضربه زدن

extra-pure	فوق خالص	subject to	در معرض - تحت تاثیر
extraterrestrial	فرا زمینی	submarine	زیر دریایی
extreme	شدید - حاد - خیلی زیاد	submerge	به زیر آب بردن
extrinsic	خارجی	submerged body	جسم غرق شده
fabrication	تولید - ساخت	substantial	مهم - قابل توجه
failure	عیب - خطا - نقص	subtract	کم کردن - تفریق کردن
fault	خطا	successive	پی در پی
faultless	بی عیب و نقص	sudden crash	تصادف ناگهانی
feasible	ممکن - امکان پذیر	suffer	رنج بردن - مبتلا بودن
feature	ویژگی	suffice	کافی بودن
ferro-resonant	تعدیل کننده ولتاژ	sufficient	کافی
field	زمین - میدان - حوزه	suggest	پیشنهاد دادن
field of detection	حوزه یا محدوده ی تشخیص یا آشکارسازی	suit	مناسب بودن
filament	رشته (لامپ) - افروزه	superimpose	روی چیزی قرار گرفتن
fill up	پر کردن - اشغال کردن	supervision	نظارت
final orbit	آخرین دوران - مدار بیرونی	supply (ies)	تهیه کردن - امکانات

fine abrasive	ماده ساینده ظریف	supply rail	ریل یا مسیر تغذیه
flame detector	اشکار ساز شعله / آتش	suppress	پارازیت - بازداشتن
flashlight	چراغ قوه	surface	رویه - سطحی - سطح
flexibility	انعطاف پذیری	surge	افزایش ناگهانی
flow	جریان - جریان داشتن	surge protector	محافظ ولتاژ
fluctuate	نوسان داشتن - تغییر کردن	surpass	بهتر بودن از
fluctuating current	جریان نوسان دار	surround	احاطه کردن - در برگرفتن
fluid	مایع	surrounded	احاطه شده
fluid level	سطح مایع	sustained oscillation	نوسان پایدار
flux	گردش - جریان	synchronization	همزمان سازی
fly-back convertor	مدل بازگردان	synchronize	هم گام / زمان کردن
folded	تاشده - چین خورده	synchronous	همزمان شده - همگام
formerly	قبلاً - سابقاً	tachogenerator	دورسنج الکتریکی
forward	مستقیم	tachometer	دورسنج - سرعت سنج
four-sided	چهار ضلعی	tailor	متناسب ساختن
frictional	اصطکاکی - مالشی	take up space	جا اشغال کردن - جا گرفتن